

فهرست

- الدرس الأول: قيمة العلم، نور الكلام و كنز الكنوز ٥
- الدرس الثاني: جواهر الكلام، كنوز الحكيم، كنز النصيحة، الحكيم النافعة و المواعظ العددية ١٦
- الدرس الثالث: جواز بين ولدين ٣١
- الدرس الرابع: في السوق ٣٧
- الدرس الخامس: الجملات الذهبية ٤٣
- آزمون نيم سال اول ٤٩
- الدرس السادس: في الحدود ٥١
- الدرس السابع: الأسرة الناجحة ٥٧
- الدرس الثامن: زينة الباطن ٦٢
- الدرس التاسع: الإخلاص في العمل ٦٨
- الدرس العاشر: الأيمان و الفصول و الألوان ٧٤
- آزمون نيم سال دوم ٧٩
- پاسخ نامه تشریحی ٨٢

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

قِيَمَةُ الْعِلْمِ، نُورُ الْكَلَامِ وَ كَنْزُ الْكُنُوزِ



السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛ أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ، كَيْفَ حَالُكُمْ؟
سلام بر شما؛ خوش آمدید به کلاس هفتم. حال شما چه طور است؟

خواندنی > بچه‌ها سلام؛ می‌دونید «سلام» یعنی چی؟ سلام یعنی صلح، سلام پیام دوستی و محبت است. یعنی من با تو دوستم. در زمان جاهلیت (قبل از پیامبر) وقتی عرب‌های بیابان‌نشین به هم سلام می‌کردند یعنی نه تنها با هم دوست و هم‌پیمان می‌شدند که مال و جان و ناموس اون‌ها از طرف هر کدوم در امان بود و کسی به کسی دیگه خیانت یا باهاش جنگ نمی‌کرد.



هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صُورَةٌ جَمِيلَةٌ.
این کوه زیبایی است. این تصویری زیباست.

☆ المَعْجَمُ : واژگان

صَدَاقَةٌ: دوستی	حَدِيقَةٌ: باغ	آفَةٌ: آفت، آسیب
الصَّفِّ: کلاس	حُسْنٌ: خوبی	« آفَةُ الْعِلْمِ التَّسْيَانُ »: آفت دانش فراموشی است.
الصَّحَّةُ: تندرستی	حَسَبِيٌّ: چوبی	الْأَمَانُ: امنیت
الصَّغَرُ: کودکی	« هُذَانِ الْكُرْسِيَّانِ حَسَبِيَّانِ »: این دو صندلی چوبی هستند.	« نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ »: دو نعمت ناشناخته‌اند: تندرستی و امنیت
الطَّالِبَةُ: دانش‌آموز	أَحْيَاءُ: زندگان	أَوْسَطُ: میانه‌ترین
« هَذِهِ الطَّالِبَةُ نَاجِحَةٌ »: این دانش‌آموز، موفق است.	الدَّهْرُ: روزگار	« خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا »: بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.
عَدَاوَةٌ: دشمنی	دَهَبٌ: طلا، زر	بِلا عَمَلٍ: بی‌عمل
عَبْرَةٌ: پند	« أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ دَهَبِهِ »: ادب انسان بهتر از طلای اوست.	الْبَيْتُ: دختر
فَائِزٌ: برنده، رستگار	رِضًا: خوشنودی	تَمْرٌ: میوه
« هُوَلَاءِ الْأَعْبُونِ فَائِزُونَ »: این بازیکنان برنده‌اند.	سَبْعِينَ: هفتاد	الجَبَلُ: کوه
فَخْرٌ: افتخار	سَنَةً: سال	الحَجَرُ: سنگ
فَرِيضَةٌ: واجب		
فَلَّاحٌ: کشاورز		



ناجِح: موفق	اللَّوْحَة: تابلو	القِصَص: قصه‌ها / داستان‌ها
النَّسِيان: فراموشی	مُجَالَسَة: همنشینی	❖ في كُتُب القِصَص عِبْرَة: در کتاب‌های داستان پندهایی است.
نَظْرَة: نگاهی / یک نگاه	❖ مُجَالَسَة العِلْمَاء عِبَادَة: همنشینی با دانشمندان عبادت است.	قِيَمَة: ارزش، بها
❖ نَظْرَة إِلَى الدَّرْسِ الأوَّل: درس اول در	مُجَاهِدُون: رزمندگان / مجاهدان	كَالشَّجَر: مثل درخت
یک نگاه	مِفْتَاح: کلید	كَنْز: گنج
النَّظِيف: پاکیزه	مَجْهول: ناشناخته	كَبِير: بزرگ
نافذَة: پنجره	المَرَأَة: زن	كُرْسِيَان: دو صندلی
واقف: ایستاده	المَسْرور: خوشحال	اللَّاعِب: بازیکن
الوالدين: پدر و مادر	مَوْت: مرگ	لِهَذَا: این دارد / دارد
الوَرْدَة: گل		❖ لِهَذَا الصَّيْفِ نافذاتان جَميلتان: این کلاس دو پنجره زیبا دارد.

المترادف: کلمات هم معنی

حُسْن = خیر (خوبی)	عَجِيب = غریب (شگفت)	الطَّالِب = التَّلْمِيز (دانش آموز)	الرَّأْي = التَّنْظَر (فکر و نظر)
فَرِيضَة = تکلیف (واجب)	مُرْتَفَعَة = باسقة (بلند)	التَّور = الضَّيَاء (روشنایی)	المَسْرور = الفَرَح (خوشحال)
ناجِح = فائز (پیروز)	الولد = الإبن (پسر)	المَرء = الانسان (آدمی)	مُجَالَسَة = مُصاحبة (همنشینی)

المتضاد: کلمات مخالف

جَمِيل ❖ كَرِيه (زشت ❖ زیبا)	الصَّالِح ❖ الفاسِد (نیكوکار ❖ بدكار)	لَكَ ❖ عَلَيْكَ (به سود تو ❖ به ضرر تو)	
العَالِم ❖ الجَاهِل (دانا ❖ نادان)	مَوْت ❖ حَيَاة (مرگ ❖ زندگی)	خَيْر ❖ شَرّ (خوبی ❖ بدی)	
النَّاجِح ❖ الكَسَل (موفق ❖ تنبل)	جَالِس ❖ واقِف (نشسته ❖ ایستاده)	مَسْرور ❖ مَحْزُون (خوشحال ❖ ناراحت)	
كَبِير ❖ صَغِير (بزرگ ❖ كوچك)	المُؤْمِن ❖ الكافِر (باایمان ❖ بی‌ایمان)	عَدَاوَة ❖ صَدَاقَة (دشمنی ❖ دوستی)	
مُرْتَفَع ❖ قَصِير (بلند ❖ كوتاه)	مَجْهول ❖ معلوم (ناشناخته ❖ شناخته‌شده)	فائز ❖ راسِب (موفق ❖ مردود)	
التَّور ❖ الظُّلْمَة (روشنایی ❖ تاریکی)	الصَّحَة ❖ المَرَض (سلامتی ❖ بیماری)		

الجُموع: جمع‌های سالم و مكسّر

بَنَات ❖ بِنْت (دختر)	سَنَوَات ❖ سَنَة (سال)	أَنْوَار ❖ نور (روشنایی)	صُلْحَاء ❖ صالح (نیكوکار)
جِبَال ❖ جَبَل (کوه)	مَكَاتِب ❖ مَكْتَبَة (کتابخانه)	عَبْر ❖ عِبْرَة (پند)	أَحْيَاء ❖ حَيّ (زنده)
عُلَمَاء ❖ عالِم (دانا)	أَطْبَاء ❖ طَبِيب (پزشک)	كُنُوز ❖ كَنْز (گنج)	أَحْجار ❖ حَجَر (سنگ)
أَشْجار ❖ شَجَرَة (درخت)	رِجال ❖ رَجُل (مرد)	أُمُور ❖ أَمْر (کار، امر)	حَدائق ❖ حَدِيقَة (باغ)
طُلّاب ❖ طَالِب (دانش‌آموز)	ناجِحون ❖ ناجِح (موفق)	أَخْشاب ❖ خَشَب (چوب)	مِفْتَاح ❖ مِفْتَاح (کلید)
فَرائض ❖ فَرِيضَة (واجب)	تَمارين ❖ تَمْرين (تمرین)	أَرَاء ❖ رَأْي (نظر)	كُرْسِيّ ❖ كُرْسِيّ (صندلی)
أَوْلاد ❖ وِلْد (فرزند)	مَدارس ❖ مَدْرَسَة (مدرسه)	أَيّام ❖ يَوْم (روز)	كِبَار ❖ كَبِير (بزرگ)

پیش نیاز

در دنیای کلمات برخی از اسم‌ها برای «اشاره» به سوی یک چیز و یا یک انسان است. در زبان فارسی برای اشاره به کسی یا چیزی از کلمات «این» و «آن» / «این‌ها» و «آنان» استفاده می‌کنیم. فقط یک تفاوت کوچک با عربی دارد و آن هم: مؤنث و مذکر است. منظور از اسم مؤنث، جنس ماده یا زن بودن است و منظور از اسم مذکر جنس نر یا مرد بودن است.

حالا به سؤال چه ربطی این موضوع به اسم اشاره داره؟! اسم اشاره هم همین‌طور، یعنی اگه بخوایم به یه دانش‌آموز پسر اشاره کنیم می‌گیم ← **هَذَا التَّلْمِيذُ** (این دانش‌آموز) و اگر بخوایم به یه دانش‌آموز دختر اشاره کنیم می‌گیم ← **هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ** (این دانش‌آموز).

نتیجه ← برای اشاره به اسم مؤنث از «هذه» استفاده می‌کنیم و برای اشاره به اسم مذکر از «هذا».

خواندنی ← در بعضی از زبان‌های دنیا برای هر اسمی یک مؤنث و مذکر دارند (مثل زبان آلمانی) در عربی هم همین‌طور!! اگر شما بفواید بگویید: «دانش‌آموز» بستگی داره به این‌که آن دانش‌آموز «پسر» باشه یا «دختر». التَّلْمِيذُ (دانش‌آموز پسر)، التَّلْمِيذَةُ (دانش‌آموز دختر).

مثال ← هذه صُورَةٌ جَمِيلَةٌ وَ هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ: این تصویر زیبایی است و این کوه زیبایی است.

خواندنی ← مَالِبَةٌ بَدُونِيذُكَ دَر زَبَانِ عَرَبِيٍّ هَرِ اسْمِي كِه «ة» دَاشْتَه بَاشَه ← مَوْتُهُ وَ هَرِ اسْمِي كِه «ة» نَدَاشْتَه بَاشَه ← مَذْكَرُهُ.

• هذه لَوْحَةٌ (این تابلو است). • هذا صَفٌّ (این کلاس است).

پس «ة» یکی از علامت‌های اسم مؤنثه که اگر به اسمی هم که اونو نداره اضافه کنی، اون هم مؤنث می‌شه.

هذا معلّمٌ ← مؤنثٌ ← هذه معلّمةٌ.

مثال ← حالا که با دو اسم اشاره «هذه» و «هذا» (هر دو اشاره به نزدیک‌اند) آشنا شدیم، شما با توجه به تصاویر و شکل‌های زیر از اسم اشاره مناسب استفاده کنید.



..... غَابَةٌ



..... عِنَبٌ



..... طَبِيبَةٌ



..... طَبِيبٌ

گفتیم که «هذا» و «هذه» اسم اشاره به نزدیک‌اند، پس اسم اشاره به دور چه کلماتی هستند؟! البته یادگیری اون‌ها هم سخت نیست:

«ذَلِكَ» ← آن ← برای مذکر؛ ذَلِكَ رَجُلٌ (آن مردی است). «تِلْكَ» ← آن ← برای مؤنث؛ تِلْكَ امْرَأَةٌ (آن زنی است).

مثال ← حالا که با چهارتا اسم اشاره آشنا شدیم با کمک تصاویر زیر، اسم‌های اشاره مؤنث و مذکر را در جای خالی، مثل مثال قرار دهید.



..... الصَّفُّ كَبِيرٌ

..... الصَّفُّ كَبِيرٌ



هذه تَفَاحَةٌ لَذِيذَةٌ.

تِلْكَ تَفَاحَةٌ لَذِيذَةٌ.



هَذَا جَبَلٌ مَرْتَفَعٌ.

ذَلِكَ جَبَلٌ مَرْتَفَعٌ.



..... المدرسةُ واسعةٌ.

..... طفلٌ نظيفٌ.

..... الطالبةُ ناجحةٌ.

..... المدرسةُ واسعةٌ.

..... طفلٌ نظيفٌ.

..... الطالبةُ ناجحةٌ.

خواندنی وقتی داریم ترجمه می‌کنیم اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، آن اسم «ال» دار بدون «ی» ترجمه می‌شه و اگر بدون «ال» باشه، اون اسم همراه «ی» می‌آید: هتیه الشجرة، عبيبة ← این درخت، عیب است. هتیه شجرة عبيبة ← این درختی عیب است.

مثال اگر بخواهیم مطمئن بشویم که با معنای دو اسم اشاره نزدیک و دور آشنا شده‌ایم، باید بتوانیم جملات زیر را ترجمه کنیم:

۱ | هذا الولدُ، في هذه المدرسة.

۲ | هذه البنتُ، في تلك المدرسة.

۳ | ذلك الطالبُ الناجحُ، في الصفِّ الأوَّلِ.

۴ | هذه الطالبةُ الناجحةُ، في الصفِّ الأوَّلِ.

پاسخ ۱ | این پسر، در این مدرسه است.

۲ | این دختر، در آن مدرسه است.

۳ | آن دانش‌آموز موفق، در کلاس اول است.

۴ | این دانش‌آموز موفق، در کلاس اول است.

مثال وقتی شما می‌توانید جملات بالا را ترجمه کنید، پس می‌توانید با کمک تصاویر اسم‌های زیر را در جای خالی قرار دهید.

شجرة - جبل - ولد - بنت



۴ | هذا

۳ | ذلك

۲ | تلك

۱ | هذه

۴ | هذا جبل.

۳ | ذلك ولد.

۲ | تلك شجرة.

پاسخ ۱ | هذه بنت.

مثال برای هر جای خالی، یک کلمه مناسب انتخاب کنید.

۱ | تلك الشجرة ثمرٍ.

۲ | العالم المؤمن ك الرحمة و النور.

۳ | هذه الشجرة الكبيرة، لذيذٌ.

۴ | «حميدٌ» اسمٌ وُلِدَ و «حميدة» اسمٌ

بلا

ناجح

طلب

بنت

في

جبل

ثمر

رجل

۴ | بنت (دختر)

۳ | ثمر (میوه)

۲ | جبل (کوه)

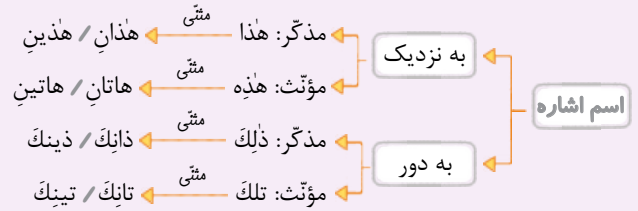
پاسخ ۱ | بلا (بدون)

یکی دیگر از تفاوت‌های کلمات عربی با فارسی این است که در فارسی اسم بیشتر از یک نفر را جمع می‌بندیم. مثلاً به دو دانش‌آموز می‌گوییم «شما» یا «آن‌ها». به بیشتر از دو دانش‌آموز هم باز می‌گوییم «شما» یا «آن‌ها».

در عربی بعد از اسم مفرد، اسم مثنی (۲ نفر) را دارند و بیشتر از ۲ نفر را جمع می گویند.

پس آقا اجازه، یعنی اسم های اشاره هم مثنی دارند؟

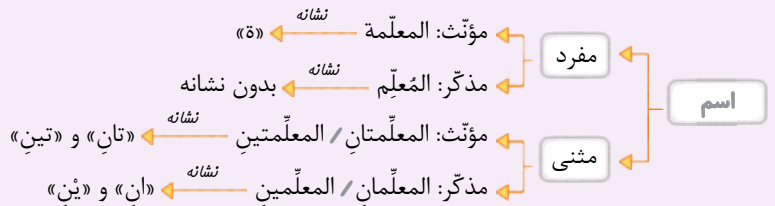
البته اسم های اشاره هم مانند اسم های دیگر مثنی دارند:



خواندنی > هالا که با نشانه های اسم مثنی آشنا شدید دقت کنید که بعضی از اسم ها مفردند ولی شکل و سافتار کلمه طوری است که شبیه اسم مثنی هستند. پس نباید آن ها

را با اسم مثنی اشتباه بگیریم: طیران (پرواز)، عطشان (تشنه)، سلمان

با توجه به مثال های بالا بهتر است که علامت ها و نشانه های اسم مثنی را در عربی بهتر بشناسیم. بنابراین به نمودار زیر دقت کنید:



خواندنی > یادمون باشه که اگر اسم، مذکر باشه با «ان» و «ین» می آید و اگر مؤنث باشه با «تین» و «تین» می آید.

الكتاب ← مثنی الکتابان / الکتابین النعمة ← مثنی النعمتان / النعمتین

• هذانِ المَعْلَمَانِ مؤذبانِ • هاتانِ المَعْلَمَاتِ مؤذبتانِ

مثال >> با توجه به آشنایی شما با اسم های اشاره به صورت مثنی جملات زیر را با کمک تصاویر کامل کنید.



..... وَرْدَتَانِ.

هَاتَانِ الـ جَمِيلَتَانِ.



..... وَلدَانِ.

هَذَا نِ الـ مُؤذِبَانِ.



..... بِنْتَانِ.

هَاتَانِ الـ نَظِيفَتَانِ.



..... كُرْسِيَانِ.

هَذَا نِ الـ حَسْبِيَانِ.

یکی دیگر از مشخصات کلمات عربی حرکت آخر آن ها است که با تغییر نقش کلمات حرف آخر آن ها نیز تغییر می کند:

این علامت ها عبارت اند از: َ - فتحه، ِ - کسره، ُ - ضمه، ة - سکون و ة - تنوین.

رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ فِي المَدْرَسَةِ: دانش آموز را در مدرسه دیدم.

مفعول

ذَهَبَ التَّلْمِيذُ إِلَى المَدْرَسَةِ: دانش آموز به مدرسه رفت.

نحوه

سَلَّمْتُ عَلَى التَّلْمِيذِ: به دانش آموز سلام کردم.

متمم

نکته >> دقت کنیم که حرکات آخر کلمات و تغییر آن ها فعلاً از قواعد درس های ما نیست و سال های بعد با آن ها آشنا خواهیم شد. اما یادمان

باشد که «ن» در اسم مثنی همیشه کسره - می گیرد، چه اسم اشاره باشد چه نباشد: هَاتَانِ التَّلْمِيذَاتِ.

مثال با کمک تصاویر اسم‌های مفرد زیر را به مثنی تبدیل کنید و در جای خالی قرار دهید.

المسجد - الطالبية - النافذة - الرجل



۱ هاتان جميلتان. ۲ هاتان ناچختان. ۳ هذان كبيران. ۴ هذان مجدان.

پاسخ ۱ هاتان النافذتان جميلتان. ۲ هاتان الطالبتان ناچختان. ۳ هذان المسجدان كبيران. ۴ هذان الرجلان مجدان.

مثال برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

- | | | |
|---------------------------|---------------------------------|----------------------------------|
| ۱ هاتان مسرورتان. | ۱ المرأة <input type="radio"/> | ۲ المرأتان <input type="radio"/> |
| ۲ لهذا الصف نافذتان | ۲ جميلتان <input type="radio"/> | ۳ جميلان <input type="radio"/> |
| ۳ ذلك نظيف. | ۳ الطالب <input type="radio"/> | ۴ الطالب <input type="radio"/> |
| ۴ هذه كبيرة. | ۴ المدرسة <input type="radio"/> | ۵ المسجدان <input type="radio"/> |
| ۵ النافذة خشبية. | ۵ هذا <input type="radio"/> | ۶ هذه <input type="radio"/> |

پاسخ ۱ هاتان المرأتان مسرورتان. این دو زن خوشحال‌اند. ۲ لهذا الصف نافذتان جميلتان. این کلاس دو پنجره زیبا دارد. ۳ ذلك الطالب نظيف. آن دانش‌آموز پاکیزه است. ۴ هذه المدرسة كبيرة. این مدرسه بزرگ است. ۵ هذه النافذة خشبية.

خواندنی شاید این سوال براتون پیش بیاید که چرا از «ین» و «تین» در مثال‌ها استفاده نکردیم؟!

قواعد این دو نشانه رو در الان نمی‌تونم بگم چون به مقدار زوده و سال‌های بعد خواهیم‌فوندم. ولی فلاحظش اینه که بستگی به نقش اون در جمله داره. مثل پایی که مفعول باشه یا بعد از «ب» بیاد: الولد الصالح فخر للوالدين.

تاکنون با اسم‌های مفرد و مثنی آشنا شدیم و آخرین موضوعی که باید در این درس یاد بگیریم اسم‌های جمع و اسم‌های اشاره برای جمع است. **خواندنی** تا این‌جا دیدیم که برای اسم‌های اشاره هم، مؤنث و مذکر بود. هذا ← مذکر، هته ← مؤنث. اما باید دقت کنیم که اسم اشاره برای جمع، مؤنث و مذکر ندارد. هؤلاء بنات (اینان دختران‌اند). هؤلاء اولاد (اینان پسران‌اند).

اگر اجازه می‌دهید از فارسی شروع کنیم تا به عربی برسیم.

دوستای عزیزم اگر ما در فارسی بگوییم به چند نفر اشاره کنیم از چه کلماتی استفاده می‌کنیم؟ آله نزدیک باشند می‌گیم ← اینان / این‌ها و اگر دور باشند می‌گیم ← آنان / آن‌ها. در زبان عربی هم همین‌طوره؟!

یعنی اگر ما بگوییم به چند نفر که نزدیکمون هستند اشاره کنیم می‌گیم ← هؤلاء (اینان) و اگر از ما دور باشند می‌گیم ← أولئك (آنان).

مثال ● هؤلاء طاب (اینان دانش‌آموزند). ● أولئك طاب (آنان دانش‌آموزند).

● هؤلاء طالبات (اینان دانش‌آموزان (دختر)‌اند). ● أولئك طالبات (آنان دانش‌آموزان (دختر)‌اند).

خواندنی یالبه بدوید که اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسمی «ال» داره بیاید، اسم اشاره رو به صورت مفرد ترجمه می‌کنیم و اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسمی بدون «ال» بیاید می‌توان هر دو را جمع ترجمه کرد و هم می‌توان اشاره رو جمع ولی اسم بعد از اسم اشاره رو مفرد ترجمه کرد:

۱ هؤلاء المهاجرون صابرون: این مهاجران شکیبا هستند.

۲ هؤلاء مهاجرون صابرون: این‌ها مهاجران شکیبا هستند. این‌ها مهاجر شکیبا هستند.

خُب حالا به آخرین موضوع درس رسیدیم؛ اسم‌های جمع. اگر بخواهیم یک اسم مذکر را به صورت جمع بنویسیم هم می‌توانیم به آخر آن اسم «ون» اضافه کنیم و هم «ین».

المعلم ← جمع ← المعلمون / المعلمين

و اگر بخواهیم یک اسم مؤنث را به صورت جمع بیاوریم، اگر «ة» یعنی علامت مؤنث داشت آن را حذف می‌کنیم و به جای آن «ات» به آخر کلمه اضافه می‌کنیم:

التلميذة ← جمع ← التلميذات المعلمة ← جمع ← المعلمات

یک نوع جمع دیگر داریم که مفرد کلمه تغییر می‌کند و شکل ساختن آن قاعده خاصی ندارد و فقط باید شکل و وزن آن را شنیده باشیم که به این جمع، جمع مکسر گویند:

كتاب ← جمع ← كُتُب تلميذ ← جمع ← تلاميذ

☆ جمع بندی مطالب به صورت نمودار



خواندنی ▶ ملأک مؤنث یا مذکر بودن جمع‌های مکسر مفرد آن‌ها است و اگر فواستیم بفهمیم که یک جمع مکسر مذکره یا مؤنث، اول باید مفرد اون رو پیدا کنیم:

عَبْرَة مؤنث است ← عَبْرَة (مفرد) مفاتيح مذکر است ← مفاتيح (مذکر)

خواندنی ▶ حرکت آخر اسم‌های مثنی همیشه کسره است. ← حافظان / حافظان

و حرکت آخر اسم‌های جمع مذکر سالم همیشه فخته دارد. حافظون / حافظین و باید دقت کنیم که اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالم هیچ وقت تنوین نمی‌گیرند.

مثال ▶▶ با توجه به تصاویر و اسم‌های زیر در جای خالی کلمه مناسب را قرار دهید.

هذه - تلميذات - رجل - تلاميذ - لاعبون - أولئك - ذلك - لاعبات



۴ هاتان



۳ امرأة



۲ طبيبات



۱ هؤلاء



۸ هذا

۷ هؤلاء

۶ أولئك

۵ مجاهدٌ .

۴ هاتان تلميذتان.

۳ هذه امرأة.

۲ أولئك طبيبات.

۱ هؤلاء تلاميذٌ.

۸ هذا رجلٌ.

۷ هؤلاء لاعبات.

۶ أولئك لاعبونٌ.

۵ ذلك مجاهدٌ.

مثال» برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

مسرورة

مسرورون

۱ سعيد و حميد و هاشم

واقفات

واقف

۲ زهراء و زينب و فاطمة

المجاهد

المجاهدون

۳ أولئك صابرون.

اللاعبات

اللاعبين

۴ هؤلاء فائزات.

لاعبات

لاعبون

۵ أولئك الأولاد ممتازون.

۵ لاعبون

۴ اللاعبات

۳ المجاهدون

۲ واقفات

۱ مسرورون

مثال» جملات زیر را ترجمه کنید سپس انواع جمع‌ها (سالم و مکسر) و نیز اسم‌های «مثنی» را معلوم کنید.

۲ في كُتُبِ القِصَصِ عِبْرٌ لِلأَطْفَالِ وَ الكِبَارِ.

۱ الأولادُ يَحْتَرِمُونَ الوالِدَيْنِ فِي البَيْتِ.

۴ هؤلاء الطَّالِبَاتُ نَاجِحَاتٌ فِي المَسَابِقَاتِ العَالَمِيَّةِ.

۳ أولئك الرِّجَالُ جَالِسُونَ عِنْدَ العَالِمِينَ.

۱ فرزندان به پدر و مادر در خانه احترام می‌گذارند. ← (الأولاد: جمع مكسر)، (الوالدين: مثنی)

۲ در کتاب‌های داستان پندهایی است برای کودکان و بزرگان. ← (كُتُب: جمع مكسر)، (القِصَص: جمع مكسر)، (عِبْر: جمع مكسر)، (الأطفال: جمع مكسر)، (الكِبَار: جمع مكسر)

۳ آن مردان نزد دو دانشمند نشستند. ← (الرِّجَال: جمع مكسر)، (جالسون: جمع مذكر سالم)، (العالمين: مثنی مذكر)

۴ این دانش‌آموزان در مسابقات جهانی پیروز هستند. ← (الطالبات و ناجحات و المسابقات: جمع مؤنث سالم)

قيمة العلم

ارزش دانش

ارزش دانش

۲ حَسُنَ السُّؤَالُ، نِصْفُ العِلْمِ.

خوبی پرسش نصف دانش است.
پرسش خوب، نصف دانش است.

۱ العَالِمُ بِلا عَمَلٍ، كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.

دانشمند بدون عمل، مانند درخت بدون میوه است.
عالم بی عمل مانند درخت بدون میوه است.

۴ طَلَبُ العِلْمِ، فَرِيضَةٌ.

خواستن دانش واجب است.
در پی دانش بودن واجب است.

۳ مُجَالَسَةُ العُلَمَاءِ، عِبَادَةٌ.

همنشینی با دانشمندان عبادت است.
عبادت دانشمندان عبادت است.

٦ هذا الولد، في هذه المدرسة.
این پسر در این مدرسه است.
این پسر در این مدرسه است.

٥ آفة العلم، النسيان.
آسیب دانش فراموشی است.
بلاي دانش، فراموشی است.

٨ ذلك الطالب الناجح، في الصف الأول.
آن دانش آموز موفق در کلاس اول است.
آن دانش آموز موفق، در کلاس اول است.

٧ هذه البنت، في تلك المدرسة.
این دختر در آن مدرسه است.
این دختر در آن مدرسه است.

١٥ ثمر الشجرة الكبيرة، لذيد.
میوه این درخت بزرگ، خوشمزه است.
میوه این درخت بزرگ، خوشمزه است.

٩ هذه طالبة الناجحة، في الصف الأول.
این دانش آموز موفق در کلاس اول است.
این دانش آموز موفق در کلاس اول است.

١٣ العالم المؤمن كجيل الرحمة و النور.
دانشمند مؤمن مانند کوه مهربانی و نور است.
عالم باایمان، همچون کوه مهربانی و نور است.

١١ «سعيد» اسم ولد و «سعيدة» اسم بنت.
سعید نام پسر و سعیده نام دختر است.
سعید نام پسر و سعیده نام دختر است.

١٤ طلب العلم فريضة.
خواستن دانش واجب دینی است.
علم جویی واجب است.

١٣ تلك الشجرة بلا ثمر.
آن درخت بدون میوه است.
آن درخت بدون میوه است.

نور الكلام

نور / روشنائی سخن

نور / روشنائی سخن

٢ رضا الله في رضا الوالدين.
خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.
خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.

١ نعمتان مجهولتان؛ الصحة و الأمان.
دو نعمت ناشناخته اند؛ تندرستی و امنیت.
دو نعمت ناشناخته اند؛ تندرستی و امنیت.

٤ الدهر يومان؛ يوم لك و يوم عليك.
روزگار دو روز است؛ روزی برای تو و روزی بر ضد تو.
روزگار دو روز است؛ روزی به نفع تو است و روزی به ضرر تو.

٣ أدب المرء، خير من دهبه.
ادب انسان بهتر از طلاي او است.
ادب انسان بهتر از طلا او است.

٦ لهذا الصف، نافذتان جميلتان.
برای این کلاس دو پنجره زیبا است.
این کلاس دو پنجره زیبا دارد.

٥ الولد الصالح، فخر للوالدين.
فرزند نیکوکار افتخاری برای پدر و مادر است.
فرزند نیکوکار افتخاری برای پدر و مادر است.

٨ هذان الصغان، كبيران.
این دو کلاس، بزرگ هستند.
این دو کلاس، بزرگ هستند.

٧ قيمة الانسان بالعلم و الإيمان.
ارزش انسان به دانش و ایمان است.
ارزش انسان به دانش و ایمان است.

٩ هاتان الشجرتان، بلا ثمر.
این دو درخت، بدون میوه هستند.
این دو درخت، بدون میوه اند.

کَنْزُ الْكُنُوزِ

گنج گنج‌ها

گنج گنج‌ها

۲ عداوةٌ العاقل خيرٌ من صداقة الجاهل.

دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان است.
دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان است.

۱ تفكر ساعة خيرٌ من عبادة سبعين سنةً.

اندیشه کردن ساعتی بهتر از عبادت هفتاد سال است.
یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است.

۴ خَيْرُ الأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.
بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

۳ العِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ.

دانش (یادگیری) در کودکی مثل نقش در سنگ است.
دانش (یادگیری) در کودکی مثل نقش در روی سنگ است.

۶ هُؤُلاءِ اللَّاعِبُونَ، فَائِزُونَ فِي مُسَابَقَتَيْنِ.

این‌ها بازیکنان برنده‌ها در دو مسابقه هستند.
این بازیکنان، در دو مسابقه برنده‌اند.

۵ الجهلُ ناداني، الموتُ مرگ، الأحياءُ زندگان.

نادانی، مرگ زندگان است.
نادانی، مرگ زندگان است.

۸ هذهِ الصورةُ للأعبيّن الإيرانيّين.

این تصویر بازیکنان ایرانی است.
این تصویر بازیکنان ایرانی است.

۷ أولئك الأَوْلَادُ، لَاعِبُونَ مِمْتازُونَ.

آن پسران بازیکنان ممتازی هستند.
آن پسران بازیکنان ممتازی هستند.

پرسش‌های درس اول

۱ کلمه‌های مترادف و متضاد را مشخص کنید. (= و ≠)

- ۲ حَسَنٌ خَيْرٌ
۴ جَالِسٌ وَاقِفٌ
۶ الصَّحَّةُ المَرَضُ
۸ عداوةٌ صداقةٌ

- ۱ عاقلٌ جاهلٌ
۳ فَرِيضَةٌ تَكْلِيْفٌ
۵ المَسْرُورُ النَّوْحُ
۷ الرُّؤْيُ النَّظَرُ

۲ مفرد کلمات زیر را بنویسید.

- ۲ أَيَّامٌ ← مفرد
۴ أَحْجَارٌ ← مفرد
۶ أُمُورٌ ← مفرد
۸ عِبْرٌ ← مفرد

- ۱ بَنَاتٌ ← مفرد
۳ أَحْيَاءٌ ← مفرد
۵ كُنُوزٌ ← مفرد
۷ أَخْشَابٌ ← مفرد

۳ کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده ترجمه کنید.

- ۲ خَيْرُ الأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
۴ هَذِهِ الطَّالِبَةُ، نَاجِحَةٌ.
۶ مُجَالَسَةُ العُلَمَاءِ، عِبَادَةٌ.
۸ أدبُ المرءِ خيرٌ من دَهْبِهِ.

- ۱ هَذَانِ الصَّفَانِ كَبِيرَانِ.
۳ هُؤُلاءِ اللَّاعِبُونَ، فَائِزُونَ.
۵ طَلَبُ العِلْمِ، فَرِيضَةٌ.
۷ لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ.

۳ برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

- الصَّادِقُونَ الصَّادِقَانِ
 هُؤُلاءِ هَذَا

- ۱ نَاجِحُونَ فِي الحَيَاةِ.
۲ العُلَمَاءُ كَالجَبَلِ.

- ٣ هذان في المزرعة.
 الفلاحان الفلاح
- ٤ المؤمنة في المسجد.
 هذه ذلك
- ٥ زينب و كبرى و فاطمة
 مسروران مسروران
- ٦ مجيد و حميد و محسن.
 هذا أولئك
- ٧ هذه، محببة.
 بنت ولد
- ٨ مؤدبان.
 طالبان طالبان
- ٩ هاتان البنتان في المسابقة.
 فائزان فائزتان
- ١٠ نحن المدرسة.
 طالبة طالبات

٥ از اسم‌های زیر «مثنی» و «جمع سالم» بسازید.

اسم	مثنی	جمع سالم	اسم	مثنی	جمع سالم
١ المسابقة	٢ عالم
٣ صابرة	٤ مجاهد
٥ الصالحة	٦ مرتفع
٧ مجهولة	٨ طالب

٦ برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

جالسون - طلاب - فائزات - عبر - ممتازون - لاعبات - واقفون - رجال - طبيبات

جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
.....
.....
.....



پاسخ نامه تشریحی

پاسخ پرسش‌های درس اول

پاسخ ۱

- ۱ عاقل ≠ جاهل
- ۳ فریضة = تکلیف
- ۵ السرور = الفرح
- ۷ الرأى = النظر

- ۲ حُسن = خیر
- ۴ جالِس = واقف
- ۶ الصَّحَّةُ ≠ المرَض
- ۸ عداوة ≠ صداقة

پاسخ ۳

- ۱ الصادقون
- ۳ الفلاحان
- ۵ مسرورات
- ۷ بنت
- ۹ فائزتان
- ۲ هؤلاء
- ۴ هذِهِ
- ۶ اولئك
- ۸ طالبان
- ۱۰ طالبات

پاسخ ۲

- ۱ بنت
- ۳ حى
- ۵ كنز
- ۷ حَسَب
- ۲ يوم
- ۴ حجر
- ۶ أمر
- ۸ عبرة

پاسخ ۵

- ۱ المسابقتان - المسابقات
- ۳ صابرتان - صابرات
- ۵ الصالحتان - الصالحات
- ۷ مجهولتان - مجهولات
- ۲ عالماني - عالمون
- ۴ مجاهدان - مجاهدون
- ۶ مرتفعان - مرتفعون
- ۸ طالبان - طالبون

پاسخ ۳

- ۱ الصَّفان: دو کلاس
- ۳ فائزون: برندگان
- ۵ فَرِيضَةُ: واجب
- ۷ نافذتان: دو پنجره
- ۲ أوسط: میانه‌ترین
- ۴ ناجحة: موفق
- ۶ مُجالِسة: همنشینی
- ۸ ذَهَب: طلا

پاسخ ۶

- ۱ جمع مذکر سالم: جالِسون، ممتازون، واقفون
- ۲ جمع مؤنث سالم: فائزات، لاعبات، طبيبات
- ۳ جمع مکسر: طلاب، عیبر، رجال

پاسخ پرسش‌های درس دوم

پاسخ ۱

- ۱ اليمين ≠ اليسار
- ۳ حدیقة = بستان
- ۵ حُسن ≠ سُوء
- ۷ الحُسام = السَّيف

- ۲ أ = هَلْ
- ۴ طويل ≠ قصير
- ۶ قريب ≠ بعيد
- ۸ عُرفة = بيت

پاسخ ۳

- ۱ ستون
- ۳ همنشین
- ۵ هتل
- ۷ نویسنده
- ۹ گردش / چرخش
- ۲ چه بسا
- ۴ دوست داشتن
- ۶ انار
- ۸ تلفن همراه / موبایل
- ۱۰ مدارا کردن

پاسخ ۲

- ۱ ضیف
- ۳ علامه
- ۵ سماء
- ۷ بستان
- ۲ حَقِيبَة
- ۴ جَبَل
- ۶ عُرفة
- ۸ حِكْمَة

پاسخ ۴

- ۱ عبد
- ۳ اليسار
- ۲ حول
- ۴ الناس